

آخرین قسمت از مصاحبه رادیو فردا

ب

اعلیحضرت

امیر فیض حقوقدان

سه شنبه ۱۷ فروردین ۲۵۴۹

ششم آپریل ۲۰۱۰

ترک داوطلبانه کشور:

مطلب بسیار تازه ای که از سوی اعلیحضرت عنوان شده مسئله داوطلب بودن شاهنشاه در ترک مملکت است. این اشاره اولین بار در رادیو فردا هنگامیکه خواستند نشان دهند که انتقال قدرت بدون مقاومت نیروهای مسلح با هزینه کمتری صورت میگیرد به وقایع سال ۵۷ استناد فرمودند: «پدرم داوطلبانه مملکت را ترک کرد که خونریزی نشود»

در مصاحبه های بعدی (تلویزیون اندیشه) ودویچه وله نیز همین مسئله خروج داوطلبانه شاهنشاه از کشور را مطرح فرمودند.

ترک وطن کسی به ارادت نمی کند یوسف به ریسمان زلیخا به چاه رفت

هرچیزی که ذره ای کره^۱ و اجبار و تدلیس در آن راه داشته باشد داوطلبانه محسوب نمی شود.

داوطلب کسی است که با اراده آزاد و بدون از فشار، اعم از روحی و یا جسمی، بدون وجود فریب و خدعه به انجام کاری که خود میل و رغبت به آن دارد دست بزند.

آیا شخص اعلیحضرت که حسرت دیدن ایران را دارند، داوطلبانه در خارج مانده اند؟ آیا این سه و یا چهار میلیون ایرانی به میل خود و داوطلبانه ایران را ترک کرده اند، هیچ حیوانی لانه و کاشانه اش را بامیل و رضای خاطر ترک نمی کند تا چه رسد به انسان.

^۱- کره کره. [کَرَهْ] (ع) چیز ناپسندیده و ناخوش و ناخواست. (منتهی الارب). چیزی که دیگران آن را نپسندند و مکروه دارند. (ناظم الاطباء)

کره کره. [کَرَهْ / کَرَهْ] (ع امص) سختی و مشقت. يقال: قمت علی کره؛ ای مشقت (منتهی الارب)؛ به زحمت و مشقت برخاستم. (ناظم الاطباء....)

علیحضرت درسالگرد آرتش نوین ایران درگردد هم آبی پرسنل نیروهای مسلح ایران در واشنگتن دی سی، مرینند ویرجینیا یکشنبه ۲۹ آبان ۶۷ سخنرانی مبسوطی فرمودند که در رابطه با موضوع گفتند که «هیچکس از شما با میل و علاقه خودتان وطن عزیز را ترک نکرده اید.»

حاشیه: در آن اجلاس حدود ۳۰۰ نفر از افراد نیروهای مسلح حضور داشتند و سخنرانی بسیار میهنی و جامعی از سوی علیحضرت ایراد گردید که متن کامل آن سخنرانی در سنگر ۱۵ آذرماه ۶۷ درج گردیده است در همان سخنرانی ناخدا هاشمیان به نمایندگی از سوی افراد نیروهای مسلح برای نجات کشور اعلام آمادگی را بعرض علیحضرت رسانید که متأسفانه علیحضرت در قبال چنین آمادگی و درخواست اجابت «آنها را به تشکیل کانون ها و انجمن ها هدایت فرمودند.» (مشروح در همان سنگر اشاره شده - پایان حاشیه)^۲

برای اثبات از نص کمک بگیریم:

به کتاب پاسخ به تاریخ رجوع می کنیم تا مسئله داوطلب بودن و یا نبودن شاهنشاه را در خروج از کشور از نص بخوانیم.

«اگر اشتباه نکنم سپهبد مقدم، بختیار را شبانه ودرخارج از ساعات متعارف به ملاقات من آورد، بختیار در این ملاقات مکرر نسبت به مقام سلطنت ابراز وفاداری کرد و کوشید به من ثابت کند که تنها کسی است که می تواند در آن دوران دشوار دولت را تشکیل دهد و میگفت مایل است تمام ترتیبات مندرج در قانون اساسی را رعایت کند بدین معنی که قبل از مسافرت من به خارج از کشور به عنوان تعطیلات یک شورای نیابت سلطنت تشکیل شود واز مجلس رای اعتماد بگیرد. (صفحه ۲۶۸)

قراری این شد که شهبانو و من پس از اینکه آقای بختیار از مجلسین رای اعتماد گرفت برای چند هفته استراحت و تجدید اعصاب ایران را ترک کنیم.

همانطور که میدانید شرط قبول نخست وزیری بختیار خروج موقت پادشاه از کشور بوده است و تشکیل شورای سلطنت هم یک ضابطه قانونی است برای هنگامیکه شاهنشاه به مسافرت خارج میروند وجود این شرط که بهر حال یک شرط قانونی برای نخست وزیر است وپیش بینی میشد که شورای سلطنت دستش برای اقدامات لازم جهت تامین امنیت کشور بیشتر باز است؛ نمیتواند صفت داوطلب بودن را به خروج شاه از کشور بدهد.

شرفیابی بختیار و اظهاراتش و شرط قبول نخست وزیری و مسافرت موقت شاهنشاه یک فریب و نقشه دولت انگلستان بود. سوال اینجاست که اگر کسی شمارا با فریب و وعده های دروغ از خانه خودتان بیرون بکند میتوان گفت که شما داوطلبانه خانه خودتان را ترک کرده اید؟

کتاب در آیین ۳۷ روز که از سوی بختیار منتشر شده در صفحه ۶۶ بنقل از روزنامه اطلاعات ۲۵ دیماه از قول رادیو لندن نوشته است:

«بختیار باید تضمین کند که شاه برود و بازنگردد» یعنی لندن طراح، طرح خروج شاهنشاه از کشور بوده و بختیار عامل اجرایی این طرح.

^۲ - شوربختانه تشویق علیحضرت به تشکیل انجمن ها و کانون ها و یا دستجات منتج به نتیجه ناگوار تشتت آرا و جدایی و اختلافات شده است که هرکسی به این تشویق ها پاسخ مثبت داده است گمان کرده است «فرمان شاه» را دارد و بنابراین امروز کسی را جز خودش نمی پذیرد. و همین مورد موجب شده تا نتوان حنا بین دوستان سلطنت و مشروطه خواهان و میهن پرستان واقعی هم یک همبستگی ملی بوجود آورد. هرکسی ساز خودش را می زند و گمان دارد نماینده «الله» یا «شاه» (برحسب مورد) در میان مبارزین است. ح-ک

بختیار پس از خروج از کشور مصاحبه ای با خبرنگاران باشگاه مطبوعات پاریس داشت که در آن صریحا اعلام کرد «من شاه را از کشور بیرون کردم» خبرنگار مزبور در پاسخ می گوید «ماکه میدانیم این کار شما نبود.»

مقصود خبرنگار مزبور این بود که مسئله خروج شاه یک توطئه ای بود که بوسیله «لرد براون» انگلیسی که به ایران اعزام شده بود به اجرا گذاشته شد.

بختیار خودش هم نمیدانست که با خروج شاه از کشور چه خواهد شد. دلیل این مسئله اظهارات خود بختیار در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۵ دیماه یعنی قبل از خروج درج شده است که گفته است:

«نمیدانم پس از رفتن شاه چه خواهد شد، - نقل از کتاب ۳۷ روز بختیار»

واژه ها خود ستون گفتارند:

برخی واژه ها و جملات با آنکه یک واژه و یا چند هستند آثار بسیار مهمی را متضمن می شوند، ایجاد تعهد می کنند، ایجاد و یا سلب حق میکنند، مشروعیت را خدشه دار میسازند و یا نامشروع را مشروع می نمایند بنابراین احتیاط و بازهم احتیاط و هرچه بیشتر احتیاط لازم است.

اعلیحضرت که در آن سالهای وحشتناک در ایران نبوده اند و سانشان هم اقتضای دقت و تحقیق رانداشته است، درست نیست نسبت به مسئله ای که هیچکس تاکنون جز شیطان لنگ^۳ در کتابش مقصود داوطلبانه بودن خروج شاه را از کشور عنوان نکرده، آنرا با قاطعیت تمام صحه بگذارند.

اعتصابات کارگری:

آخرین موضوعی که در مصاحبه رادیو فردا جای بحث کوتاهی را پذیرفته است، راهکاری است که اعلیحضرت برای اعتصابات کارگری ایران خاصه کارگران صنعت نفت ارائه فرموده اند و آن این است که:

«یک حساب مالی افتتاح شود و سندیکا های بین المللی کارگران و کسانی که برای آزادی ایران مایل به کمک هستند به این حساب واریز مبلغ بنمایند تا هنگامیکه کارگران نفت اعتصاب می کنند بتوان از آن حساب حقوق و دستمزد آنها را پرداخت.»^۴

هیچکس به عزرائیل آدرس سراسر نمی دهد (باستانی پاریزی)

اعلام چنین طرحی در یک مصاحبه و آگاهی عمومی شامل همان ضرب المثل «همین بیا مرا بگیر» است اعتصاباتی که به تحریک کشورهای خارجی و با مخالفین رژیم ها صورت گیرد، اعتصاب کارگری شناخته نمی شود و با برخورد های قانونی سنگین مواجه میشود. از آن گذشته کارگران کشور ها اگر بفهمند که موقعیت آنها مورد استفاده بیگانگان قرار گرفته است، محال است که اعتصاب ریشه دار موثری را دنبال کنند.

^۳ - منظور داریوش همایون است - ح-ک

^۴ - سالها پیش پیشنهادی از سوی اینجانب به اینترنت آورده شد و به برخی از رادیو ها و تلویزیون ها اعلام کردم اولین داوطلب هستم تا حقوق سه ماهه یک کارگر در صنایع نفت را اگر به میل خوداعتصاب کند را تامین کنم و پیشنهاد کردم هر ایرانی مقیم خارج که استعداد اینکار را دارد داوطلب شود تا به این وسیله هزینه زندگی کارگران تضمین شده باشد. ولی آنزمان که سعید قائم مقامی در رادیو صدای ایران بود بر علیه این قضیه مبدا که راه جمع آوری پول در جیب ایشان مسدود شود الم شنگه ای پرسرو صدا راه انداخت. -- هر حسابی بایستی روشن و کتاب آن بایستی باز و برای مردم روشن باشد. جمع کردن پول از سوی سندیکاهای بیگانه مسئولیت بوجود می آورد و این حساب ها بدون کتاب و بدون پاسخگویی زنجیر داغ به گردن است. هر حسابی که هزینه سفر و لباس و تفریح فرد یا افرادی را بپردازد از سوی مردم مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. ح-ک

نمیدانم از کیست که گفته است هرطرحی که فاش شود، سنگ قبر آن طرح کنده شده است.^۵

اگر در جریان شورش ۵۷ کارگران شرکت نفت اعتصاب کردند و حقوق و مزایایشان را حتی بیشتر هم دریافت کردند که بنوشته جراید و گزارشات، برخی کارگران با خیال راحت به شهرستان های خود بازگشتند هم کارگران و هم دولت قانونی وقت تصور می کردند که وجوهات لازم را خمینی میدهد و به وسیله بازرگان مدیریت می شود. بعد ها یعنی در سال ۱۹۸۲ بود که رابرت دریفوس در کتاب گروگان خمینی نوشت: «اغتصابات و اعتصابات کارگری نفت خوزستان بوسیله گروهی رادیکال از سوی بنیادانگلیسی صلح برتراند راسل که به آن منطقه اعزام شده بودند پایه ریزی شد» (صفحه ۵۶)

آخوند میدانست که نباید فاش شود که طرح اعتصابات یک طرح خارجی و بودجه آنرا لیبی می دهد ولی مابین روشنی هارا نمی بینیم و پیشاپیش بدون اینکه قدمی برداریم برای اطلاع عموم خاصه جمهوری اسلامی اعلام میکنیم.

وانگهی با وجود بنیاد میهن که در اساسنامه و اهداف آن کمک به مردم نیازمند ایران پیش بینی شده است چرا نباید بنیاد میهن پایگاهی برای کمک به اعتصابات باشد که از هم اکنون مارک بیگانگی به اعتصابات که صحبتش هم نیست زده شود؟

کارگران شرکت نفت اگر اعتصاب کردند، فقط مسئله حقوق و ایام اعتصاب نبود، آنها یک قدرت حکومتی تازه را از دور می دیدند که نزدیک میشود لاجرم راه اعتصاب را برای پیوند به آن قدرت انتخاب کردند، اکنون کارگران ناراضی شرکت نفت ویا سایر کارگران صنایع دولتی جمهوری اسلامی چه می بینند که دست به اعتصاب بزنند. کدام سبب را می بینند که پیاز گندیده را از دستشان بیاندازند.

اصفهان دوراست کیش نزدیک است:

یک گزارش تحقیقی از وضع کارگران ایران میگوید سال ۸۸ برای بیش از ۸ میلیون جمعیت کارگری بدترین سالها بوده است بحران صنایع، کاهش قدرت خرید کارگران، عدم پرداخت به موقع حقوق آنها، تهدید به اخراج نمونه هایی از آن است.

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی در نیمه اسفند ماه سال گذشته خط فقر شدید (گرسنگی) را ۱۶۰ هزار تومان، خط فقر مطلق را ۲۶۰ و خط فقر نسبی را ۷۲۶ هزار تومان اعلام کرده است.

همین آمارهای بظاهر خوشبینانه! وقتی در مقابل حداقل دستمزد کارگران قرار میگیرد، می بینیم که براساس آمار خبرگزاری دولت، حقوق کارگران در سال ۸۸ بین خط فقر شدید گرسنگی و خط فقر مطلق قرار داشته است.

محمد پارسا رئیس هیئت مدیره سندیکای صنعت برق در زمستان سال گذشته به خبرگزاری ایلنا گفت به دلیل بدهی ۵ میلیارد دلاری دولت به اعضای سندیکای تولید کنندگان برق رقم بدهی دولت به ما آنقدر سنگین است که در صورت عدم چاره جویی واحد های تولید کننده مجبور به تعطیلی خواهند بود و بیش از ۹۰۰ هزار نیروی کارگر مستقیم و غیرمستقیم در این صنعت مشغول بکار هستند در معرض بیکاری قرار خواهند گرفت.

عیسی محمد کمالی دبیر اجرایی خانه کارگر بوشهر در دیماه سال ۸۸ به خبرگزاری ایلنا گفت که در ۴ سال اخیر در عسلویه شمار کارگران و دیگر شاغلان از ۶۰ هزار نفر به ۸ هزار نفر کاهش یافته است.

رستم قاسمی فرمانده قرارگاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران و مجری برنامه فازهای پارس جنوبی در اوایل پاییز گفت دست کم ۶۰۰۰ کارگر در این میدان کاری بیکار شده اند.

^۵ - کدام مبارز در جنگ اعلام می کند طرح و نقشه اش چیست، تا دشمن موضع گیری کند؟ ح-ک

این ملاحظات برای چه؟

این ملاحظات بدین سبب ارائه شد که بدانیم زمینه برای اعتصاب سراسری بطور طبیعی فراهم هست ولی آنچه که باید به اعتصابات امید بدهد نیست، آنچه که نارضایتی ها را از قوه به فعل در می آورد نیست؛ یعنی در عبارت پرمعنی هست ولی میلشان به تماشا و گذر ایام است.

چو فردا شود فکر فردا کنیم.